



بررسی مولفه‌های تسهیل‌کننده ژئوپلیتیکی ایران در راستای قدرت برتر منطقه‌ای در آسیای

جنوب غربی

اعظم یوسفی^۱ استادیار جغرافیای سیاسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
زینب تبریزی دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی
داوود حسن آبادی استادیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد واحد گرمسار-ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۱

چکیده

مکانیزم روابط جغرافیا و سیاست شرایطی را به وجود می‌آورد که مدیریت سیاسی فضاهای جغرافیایی را در درون کشور تسهیل کرده و وزن ژئوپلیتیکی همان فضای جغرافیایی-سیاسی را در سطح منطقه یا جهان تبیین می‌کند. از این رو عدم درک موقعیت جغرافیایی یک مکان و فضای جغرافیایی و مسائل آن از جمله نقاط ضعف و نقاط قوت، هزینه‌های سنگینی در بر منافع ملی تحمیل خواهد کرد که تأثیرهای آن در قدرت ملی کشور و موقعیت کشور در ساختار نظام جهانی آشکار می‌کند. ایران از جمله کشورهای جنوب غرب آسیاست که با دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی می‌تواند به‌عنوان تنها ابرقدرت منطقه ابراز وجود نماید. از این رو شناخت و بررسی عوامل تسهیل‌کننده در ارتقاء سطح قدرت ایران به‌عنوان هدف عملی در راستای اتخاذ سیاست‌های صحیح و اصولی جهت نیل به قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی است. پژوهش مزبور با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای ضمن بررسی نقش پیش‌برندگی متغیر موقعیت ژئوپلیتیکی که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق برتری منطقه‌ای ایران باشد موانع تحقق این امر را مدنظر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: ایران، آسیای جنوب غربی، منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک، موقعیت ژئواکونومیک، قدرت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ نویسنده مسئول Azam.yousefi.ac.ir



مقدمه

با پایان جنگ سرد، در قرن حاضر، شاخص قدرت رهبری برای کشورهای سرمایه‌دار و قدرتمند جنگی در صحنه بین‌المللی، دیگر قدرت نظامی نیست. زیرا در حال ورود به عصری هستیم که نزاع مستقیم و رودررو، که نیازمند پشتیبانی نیروهای نظامی است، فرصت بروز پیدا نخواهد کرد.

دیپلمات‌ها امروزه، مدعی دفاع از منافع اقتصادی و دیپلماسی هستند. وظیفه‌ای که هر دیپلماتی نمی‌تواند از عهده آن برآید. امروزه قدرت ملی ارتباط مستقیمی با درک مفاهیم ژئوپولی نومیکی دارد. در دنیایی که به سرعت به سمت اقتصاد جهانی پیش می‌رود، اهداف و منافع سیاست ملی موضوعی برای اهداف و منافع اقتصادی می‌شود. این تغییر جهت‌ها و ارتباط مفاهیم جدید با یکدیگر نشان‌دهنده شروع یک عصر ویژه است. در همین دوران بود که واژه ژئواکونومی مطرح شد که برخی به اشتباه آن را جایگزین ژئوپلیتیک می‌دانند و گروهی هم به اشتباه فکر می‌کنند که دوران ژئوپلیتیک به سرآمده است و دوران ژئواکونومیک مطرح است، درحالی‌که این یک اشتباه در تعبیر مفاهیم است زیرا واژه ژئواکونومی در واقع تغییر نام و هدف واژه ژئواکونومی است. در حقیقت در مفهوم ژئواکونومی، اهداف با دخل و تصرف در استراتژی‌های اقتصادی با بهره‌گیری از بستر ژئوپلیتیک به اهداف استراتژیک تغییر شکل دادند.^۱ (عزتی، ۱۳۸۰: ۳۴) هدف اصلی ژئواکونومی کنترل سرزمین‌ها و دستیابی به قدرت فیزیکی نبوده، بلکه دست یافتن به استیلای فناوری و بازرگانی است. که در نهایت شکل نوینی از هژمونی را در قالب توان اقتصادی در عرصه بین‌المللی پدید می‌آورد.^۲ (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

اقتصاد همواره عامل تعیین‌کننده سیاست داخلی و خارجی کشورها بوده است. این عامل اکنون به اهرم پر قدرتی برای تأثیر در سیاست‌های بین‌المللی تبدیل شده است. منطق اقتصادی، اکنون در تحلیل وضعیت ژئوپلیتیکی نقش درجه اول ایفا می‌کند. در حقیقت، به اعتقاد کارشناسان مسائل ژئوپلیتیکی، نظام متغیر جهانی، بعد از افول نقش ایدئولوژی در رقابت‌های ژئوپلیتیک جهانی، وارد دوران جدیدی شده است که یکسره به کارکرد زیربناها، پتانسیل‌ها و سیاست‌های اقتصادی در شکل دادن به ژئوپلیتیک جهانی تعلق دارد. در حقیقت می‌توان عصر حاضر یا همان قرن ۲۱ را دوران اندیشه ژئواکونومی نامید. که نقش کشورها و ایفای آن در بعد جهانی و منطقه‌ای، همه منوط به داده‌ها و داشته‌های اقتصادی آن‌هاست و نقش‌آفرینی و موقعیت کشورها در سطوح قدرت جهانی در گرو توان اقتصادی آن‌هاست.

حال این نکته مطرح می‌شود که جمهوری اسلامی ایران از بعد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک چه ویژگی‌های دارد که در قرن حاضر می‌تواند تسهیل‌کننده در جهت قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی باشد. از این رو پژوهش حاضر در صدد است تا به بررسی و تحلیل عوامل تسهیل‌کننده (با تأکید بر موقعیت ژئوپلیتیکی) قدرت منطقه‌ای ایران بپردازد.



طرح موضوع

جمهوری اسلامی ایران درصدد است که تا سال ۱۴۰۴ به کشوری توسعه یافته با جایگاه برتر اقتصادی، علمی و فن آوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل تبدیل شود. منطقه مورد نظر در این موضوع منطقه آسیای جنوب غربی می باشد که کشورهای خاورمیانه را در خود جای داده و پنج حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان یعنی آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه را در بر می گیرد. این منطقه با وجود پیشینه تاریخی - تمدنی چند هزار ساله و اشتراک های فرهنگی - دینی به عنوان یکی از غنی ترین کانون های فرهنگی تمدنی جهان و دارا بودن دوسوم منابع عظیم نفت و گاز جهان کماکان از مناطق کمتر توسعه یافته محسوب می شود و متأسفانه فاقد الگویی از همکاری های توسعه جمعی است. جمهوری اسلامی ایران (ج.ا.ا) به عنوان کشور شاخص در این منطقه دارای تمدنی ۵ هزار ساله است که در بین سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا قرار گرفته و دارای ظرفیت های ارزشمند ژئوپولی نومیکی است. همین موقعیت مرکزی باعث گردیده که عنصری تاثیرگذار در شکل گیری حوزه های ژئوپلیتیکی مجاور خود مانند قفقاز، آناتولی، آسیای مرکزی، خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و حوزه ژئوپلیتیکی فلات ایران باشد و بر اهمیت ژئواستراتژیک ج.ا.ا. افزوده گردد. ایران هم به لحاظ طبیعی و هم به لحاظ انسانی و فرهنگی موقعیت خاصی دارد که با مرزهای مشخص طبیعی و انسانی از فضاها و قلمروهای پیرامون خود جدا و متمایز می شود، قدرت آفرینی موقعیت ژئوپلیتیکی ایران منبعت از جایگاه ارتباطی، وحدت فضایی و سرزمینی، مجاورت با خلیج فارس و تنوع اقلیمی است که ضمن دارا بودن جایگاه بالا در تولید و ذخایر نفت و گاز باعث گردیده هم مشرف بر تولید و انتقال منابع انرژی باشد و هم از مناطق شمال و جنوب برای ایجاد فضای همکاری و پیوند با کشورهای این مناطق سود ببرد. این موقعیت منحصر بفرد و استراتژیک زمینه حضور قدرت های فرا منطقه ای را فراهم نموده است که در همین راستا و به دلیل بروز رقابت در بین قدرت های فرا منطقه ای در جهت سود بردن از این موقعیت، رقابتی جدی ایجاد شده است. شکننده بودن مرزها به ویژه در نواحی شرقی و معضل قاچاق مواد مخدر، وجود بحران سیاسی - اقتصادی دائم در نزدیکی مرزها، جنگ داخلی و عدم ثبات در کشورهای همسایه، وجود قاچاقچیان کالا در عمده نواحی مرزی شمال، جنوب و غرب کشور از عوامل مهم بازدارنده منبعت از موقعیت جغرافیایی است که در برتری منطقه ای ج.ا.ا تأثیر منفی دارند.

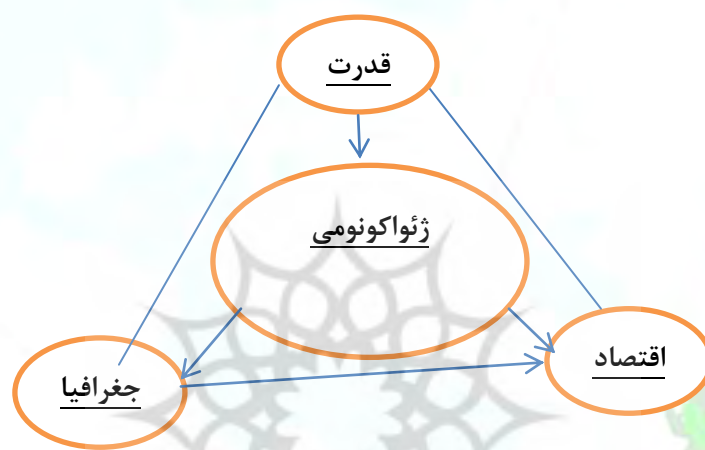
با توجه به آنچه در فوق آمد این تحقیق درصدد بررسی این سؤالات است که اولاً چه عواملی در برتری منطقه ای ایران در منطقه آسیای جنوب غربی تأثیرگذار می باشند؟ و از بین عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی اثرگذار در برتری منطقه ای ج.ا.ا، نقش تسهیلی و بازدارندگی متغیر موقعیت ژئوپلیتیکی چگونه می باشد؟ و در راستای یافتن پاسخی منطقی و مستدل برای این سؤالات در ابتدا اشاره ای تحلیلی به ظرفیت های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ج.ا.ا. می نماید و در ادامه با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه ای بررسی نقش پیش برنده متغیر موقعیت ژئوپلیتیکی که تاکنون زمینه ساز تحقق برتری منطقه ای ایران شده است را بیان می نماید.

مباحث نظری تحقیق



با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک روی داد. به گونه‌ای که ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت. ادوارد لوتواک^۱ در سال ۱۹۹۰ م. پارادایم ژئواکونومیک را با مفهومی گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد. (عزتی، ۱۳۸۰: ۳۶) درواقع ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است که البته خود یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است (نمودار ۱).

نمودار ۱ ژئواکونومی



منبع: عزتی، ۱۳۸۵

با مطرح شدن این مفهوم در ژئوپلیتیک مناطق جغرافیایی برخلاف دوران جنگ سرد، از بعد دیگری، یعنی توزیع منابع مولد انرژی با محوریت نفت و گاز مطرح گردیدند. به عبارت دیگر در قرن بیست و یکم مناطقی که دارای انرژی هستند یا محل عبور آن هستند مورد توجه قرار می‌گیرند. در حال حاضر انرژی متغیری تأثیرگذار در تدوین استراتژی‌ها به حساب می‌آید. برژینسکی نیز توضیحاتی کاملی در این زمینه ارائه داده است. وی بیان می‌دارد که جالب است که در تعیین مناطق ژئواکونومیک که انطباق کاملی هم با قلمروهای ژئواستراتژیک قرن ۲۱ دارد باز خاورمیانه گسترده همان نقش منطقه ژئواستراتژیک حساس جهان را به خود اختصاص داده و ایران نیز در مرکز آن منطقه است (عزتی، ۱۳۸۵).

در جهان مناطق جغرافیایی خاصی وجود دارد که تسلط بر آن‌ها موجب افزایش ثروت و قدرت یک کشور می‌شوند بسیاری از صاحب نظران تفوق ژئواکونومی بر ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم سخن به میان آورده‌اند. (عزتی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). تغییر مفهوم سنتی ژئوپلیتیک و مناطق ژئوپلیتیک به مضمون‌های جدید قدرت‌یابی کشور و مناطق ژئواکونومیک، نقش و تأثیر عامل اقتصادی را در نظام بین‌الملل به همراه داشته است. راهبرد مبتنی بر ژئواکونومی، به عنوان یک ابزار سیاسی برای دولت‌ها محسوب می‌شود. هدف اصلی ژئواکونومی، کنترل سرزمین‌ها و دستیابی به

^۱.Edvard N.Luttwak



قدرت فیزیکی نبوده؛ بلکه دست یافتن به استیلای فناوری و بازرگانی است که در نهایت شکل نوینی از هزمونی را در قالب توان اقتصادی در عرصه بین‌المللی پدید می‌آورد (قلی زاده، وهمکاران: ۱۳۸۷)

البته ژئواکونومی را مانند دیگر زیرمجموعه‌های ژئوپلیتیک نمی‌توان بحث جداگانه‌ای از مبحث مادر دانست. چراکه هریک از این مباحث قرائت ویژه خود را از ژئوپلیتیک را ارائه می‌دهد یعنی آنجا که اقتصاد انگیزه رقابت قدرتی است ژئوپلیتیک قرائتی اقتصادی را از شرایط موجود را ارائه می‌دهد و جنبه ژئواکونومیک به خود می‌گیرد. بنابراین ژئواکونومی، اثرگذاری عوامل با زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای و جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای و یا جهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

با تغییر شاخص‌های در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک پدید آمد و در مباحث ژئواکونومیک، موضوع ژئوپلیتیک نفت و امنیت استراتژیک منابع انرژی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژی‌های جهانی مطرح گردید.

از ویژگی‌های عصر ژئواکونومی، اهمیت یابی اقتصاد در عرصه جهانی است. برخلاف دوران جنگ سرد که در آن تقسیم ژئوپلیتیک جهان جنبه ایدئولوژیک داشت در گروه‌بندی‌های نوین ژئوپلیتیک جهان پس از جنگ سرد اقتصادمبنا قرار گرفته است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۸۷) اقتصاد همواره عامل تعیین‌کننده سیاست داخلی و خارجی کشورها بوده است. این عامل اکنون به اهرم پر قدرتی برای تأثیر در سیاست‌های جهانی تبدیل شده است. منطق اقتصادی، اکنون در تحلیل وضعیت ژئوپلیتیک نقش درجه اول ایفا می‌کند. در حقیقت، به اعتقاد کارشناسان مسائل ژئوپلیتیک، نظام متغیر جهانی، بعد از افول نقش ایدئولوژی در رقابت‌های ژئوپلیتیک جهانی، وارد دوران جدیدی شده است که یکسره به کارکرد زیربناها، پتانسیل‌ها و سیاست‌های اقتصادی در شکل دادن به ژئوپلیتیک جهانی تعلق دارد. در این دوره، پیدایش مفهوم جدید ژئواکونومی موجب شده است تا برخی از سیاست‌پردازان از این مفهوم تحت عنوان جنگ اقتصادی تعبیر نمایند.

ژئوپولیتسین‌ها با استناد به نظریه‌هایی چون "ثبات مبتنی بر هژمون" معتقدند که یکی از شاخصه‌های بنیادی قدرت هژمون در هر عصری، کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی است^۱ (Glipin, Robert ۲۰۰۱)

در دوران ژئواکونومی امنیت دیگر تنها بعد نظامی ندارد، بلکه وجه امنیت اقتصادی و امنیت انرژی اهمیت روزافزون یافته و کشورهایی که بر مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک انرژی تسلط دارند نقش مهمی را در معادلات نظام جهانی و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ ایفا خواهند کرد. با این اوصاف می‌توان بیان داشت که قرارگیری در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک مناسب این امکان را برای کشورها واقع در یک منطقه در جهت کسب قدرت را فراهم می‌آورد. یکی از کشورهایی که با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک استثنایی علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیک دارای ارزش و قابلیت‌های



منحصربه‌فرد ژئو اکونومیکی می‌باشد ایران است. موقعیت ژئواستراتژیک، منابع عظیم انرژی، موقعیت جغرافیایی بی‌همتای ایران میان خلیج فارس و دریای خزر، پل سرزمینی شرق و غرب همه بیانگر وجود پتانسیل‌های متعدد برای تبدیل شدن به یک قدرت برتر منطقه‌ای می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

جایگاه ایران در نظام جهانی

جیمز رزنا در کتاب مطالعه علمی سیاست خارجی نقش و جایگاه کشورها در چگونگی تعامل با نظام جهانی را در الگوهای چهارگانه‌ای موردبررسی قرار داده است. بر اساس این دیدگاه به لحاظ معادلات ژئوپلیتیک، قدرت‌های جهانی همچون ایالات متحده آمریکا بیش از آنکه از نظام بین‌الملل تأثیر بگیرند بر آن اثر می‌گذارند. دسته دوم کشورهایی هستند که تأثیرپذیری آن‌ها از نظام بین‌الملل بیش از تأثیرگذاری آن‌هاست. کشور لبنان نمونه روشنی از این کشورهاست. برخی از واحدهای سیاسی نیز ضمن آنکه تأثیر چندانی بر نظام بین‌الملل ندارند از تحولات و دگرگونی‌های جهانی نیز کمتر تأثیر می‌پذیرند. کشور سوئیس نمونه بارز این‌گونه واحدهای سیاسی است.

چهارمین گروه واحدهای سیاسی هستند که هم بر نظام بین‌الملل تأثیر می‌گذارند و هم از نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرند. کشور ایران که از نظر موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در چهارراه بین‌المللی واقع است در گروه کشورهای اخیر قرار می‌گیرد. آنچه باعث اتصال و ارتباط ایران با نظام جهانی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ایران در سده اخیر شده است موقعیت جغرافیایی آن است که به تعبیر مورگنتا از پایداترین عامل تأثیرگذار در بر قدرت ملی واحدهای سیاسی است علاوه بر موقعیت جغرافیایی از طرف دیگر منابع نفت و گاز است که آن‌هم به موقعیت جغرافیایی ایران ارتباط می‌یابد. (اطاعت، ۱۳۹۲) با این رویکرد جایگاه ایران در عصر حاکمیت گفتمان‌های ژئواستراتژیک و ژئواکونومی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف- ایران در عصر ژئواستراتژیک:

نظریه‌پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته‌اند و نقش بی‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند. مکیندر، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء هارتلند یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان در نظریه قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت بتری (زمینی) روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن، بخش مهمی از ریملند است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت بتری (زمینی) و بحری قرار گرفته است. کوهن، هرچند در نظریه سیستمی خود از ایران به‌عنوان عنصری بی‌قرینه و کشوری بنیادگرا یاد می‌کند ولی در نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهم منطقه خردشده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۷۷-۲۹۹)

بنابراین، در دوره حاکمیت ژئواستراتژیک که متأثر از نظریات قدرت دریایی ماهان، هارتلند مکیندر، و مهمتراز همه ریملند اسپایکمن و کمر بند شکننده کوهن، جایگاه جغرافیایی ایران به دلیل ارتباط و اتصال به دریای آزاد و در



اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز، اتصال با سرزمین قلب از طریق مرزهای شمالی و قرار گرفتن بین دو قدرت بری و بحری و به بیان دیگر در موقعیت ریملند نظریات ژئوپلیتیک در استراتژی جهانی از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار بود.

ب- ایران در دوران حاکمیت ژئواکونومیک:

نکته‌ای که بسیار جالب و با اهمیت می‌باشد این است که علی‌رغم نظریه صاحب‌نظران که اعتقاد داشتند با از بین رفتن نظام دوقطبی، ایران به‌زودی اهمیت ژئوپلیتیک خود را از دست خواهد داد، چون آنچه به ایران به‌عنوان یک منطقه ممتاز ژئوپلیتیکی اهمیت بخشیده بود همسایگی با شوروی و بلوک شرق بود، از این‌رو طبیعی است که با فروپاشی این بلوک ایران نیز اهمیت خود را از دست بدهد. اما گذشت زمان شکست این نظریه را ثابت کرد و مسیر وقایع خلاف این فرضیه را به اثبات رسانید. چراکه با کشف و اهمیت منابع زیرزمینی و ذخایر انرژی در خزر و قفقاز بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران البته در قالبی دیگر نمایان گردید (Shahram Chubin, (Summer ۱۹۹۹) پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و پایان جنگ سرد، ماهیت قدرت در روابط بین‌الملل از نظامی به اقتصادی تغییر یافت و معادلات ژئواستراتژیک جای خود را به مؤلفه‌های ژئواکونومی داد. در دوره جدید منابع ارزشمند انرژی جایگزین اهمیت سرزمینی شده است. با پایان ژئوپلیتیک سنتی و مبتنی بر مسائل نظامی و ظهور ژئوپولی‌نومیک، توجه جامعه بین‌الملل به میزان مصرف نفت در جهان به‌عنوان خون صنعت مدرن و جایگاه خاورمیانه در داشتن ذخایر شناخته‌شده جهانی و بالاخره به میزان تولید نفت در خلیج فارس جلب شد.

بر همین مبنا جفری کمپ، متأثر از نظریه هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند انرژی یاد می‌کند که حوزه نفت و گاز خلیج فارس و حوزه نفت و گاز خزر یعنی ذخایر نفت و گاز روسیه، آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان را در بر می‌گیرد. کانون و مرکز و یا به عبارتی قلب این بیضی نیز سرزمین ایران است که با تپش آن صنعت و اقتصاد جهانی به حرکت می‌افتد. زمانی که میزان ذخایر هارتلند انرژی در یک معادله و جاذبه‌ها و تقاضاهای مصرف در معادله دیگری قرار گیرند، حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه به‌منظور محاصره کانون انرژی جهان اهمیت هارتلند انرژی دنیا و به تبع آن موقعیت و جایگاه ایران قابل تبیین است. (اطلاعات همان ۹۸)

بعلاوه پس از فروپاشی شوروی از بعدی دیگر بر اهمیت موقعیت ایران افزوده شد. "ژئوپلیتیک دسترسی" اصطلاحی است ژئوپلیتیکی برگرفته از وضعیت جغرافیائی و استراتژیک منطقه اوراسیا در تحولات پس از فروپاشی شوروی پیشین. دکتر پیروز مجتهد زاده برای اولین بار در کتاب "جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیائی" و به انگلیسی زیر عنوان *The Geopolitics of Access* در کتاب *Bridging A Gap* مورد استفاده قرار داد. منظور از این اصطلاح شرح این واقعیت بوده است که همه کشورهای جداشده از اتحاد شوروی پیشین در قفقاز، خزر و آسیای مرکزی کشورهای محاصره‌شده در خشکی هستند و بی‌بهره از دست رسی مستقیم یا آسان به راه‌های دریایی بازرگانی بین‌المللی. قزاقستان، ترکمنستان، و جمهوری آذربایجان همراه با روسیه و ایران در دریای خزر هم کرانه‌اند. این جغرافیای ویژه می‌تواند بازرگانی دریایی میان پنج کشور کرانه‌ای را تشویق نماید. ولی چنین پیشرفتی نمی‌تواند مسئله عدم دست رسی دریایی به بازارهای جهانی را حل کند. در چارچوب پیشنهاد تعاریف منطقه "خزر - آسیای



مرکزی بود که تنها راه عملی حل مشکل جغرافیائی "دست رسی" را در ایده ارتباط دادن همه این جمهوری‌های آن منطقه و افغانستان به خلیج فارس و دریای عمان از راه گسترش شبکه‌هایی از راه و راه‌آهن و لوله‌های نفتی و گازی پیشنهاد داد. یکی از چشمگیرترین جنبه این پیشنهاد واگذار کردن یک بندر کوچک از بنادر فراوان ایران در خلیج فارس و دریای عمان به هر یک از کشورهای محاصره‌شده در خشکی ژرفای ژئوپلیتیک شمالی ایران بود. بآنکه برخی از کشورهای منطقه از این پیشنهاد استقبال کرده بودند و قرقیزستان حتی رسماً آمادگی خود را در استقبال از این طرح عظیم که به‌آسانی می‌توانست جغرافیا را به بزرگ‌ترین امکان ژئوپلیتیکی ایران در منطقه تبدیل کند آن‌چنان که هیچ قدرت منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای نتواند اندیشه "انزوای ایران" را در خزر - آسیای مرکزی واقعیت دهد، متأسفانه ضعف عمومی چیره بر دولت وقت مانع از بهره‌برداری ایران از این امکان بزرگ ژئوپلیتیک شد. (مجتهد زاده، ۱۳۸۹: ۳۳۱-۳۳۲). به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، ایران به خاطر برخورداری از موقعیت خاص و کم‌نظیر جغرافیایی خود و قرار گرفتن در حدفاصل دو انبار سرشار انرژی فسیلی جهان از اهمیت استراتژیک بیشتری نسبت به قبل از خاتمه جنگ سرد برخوردار شده است.

جایگاه ایران در منطقه آسیای جنوب غربی

آسیای جنوب غربی تا حدود زیادی متشکل از آن چیزی است که خاورمیانه بزرگ شناخته می‌شود اصطلاحی که برای اشاره به ترکیبی از مناطق خلیج فارس، قفقاز، آسیای مرکزی و نیز خاورمیانه عربی است. این منطقه در متون کلاسیک به‌عنوان یک حوزه جغرافیایی وسیع به‌کاربرده می‌شود که چندین منطقه مشهور را که در مطالعات منطقه‌ای به‌مثابه مناطقی جداگانه محسوب می‌شوند، در خود جای‌داده است. بخش‌های از منطقه قفقاز، ایران، پاکستان، افغانستان، بخش‌هایی از آسیای مرکزی، ترکیه، عراق، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، شامات، و گاهی هم مصر نیز در ادبیات رایج به‌عنوان بخشی از آسیای جنوب غربی به کار می‌روند. درواقع در این نگاه، آسیای جنوب غربی مجموعه‌ای از ۵ منطقه تلقی می‌شود که در مطالعات کلاسیک مناطقی مجزا فرض می‌شوند. (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۳۷) این منطقه دارای وسعتی حدود ۱۲ میلیون کیلومترمربع شامل ۲۵ کشور با جمعیت حدود ۵۴۰ میلیون نفر می‌باشد و در بین قاره‌های آفریقا، اروپا و سرزمین‌های روسیه، چین و هند قرار دارد. این منطقه باوجود پیشینه تاریخی تمدنی چندین هزارساله و اشتراکات فرهنگی دینی به‌عنوان غنی‌ترین کانون فرهنگی تمدنی جهان و دارا بودن منابع عظیم طبیعی، مزیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ای استثنایی، کماکان از مناطق کمتر توسعه‌یافته جهان می‌باشد.

این منطقه با ابعاد ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حائز اهمیت زیادی می‌باشد.

۱- از منظر ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک:

- قرار گرفتن در منطقه حساس اقیانوس هند که در مسیر مهم‌ترین خطوط ارتباط شرق و غرب است
- وجود دو نقطه از شانزده نقاط استراتژیک جهان (تنگه هرمز و جزایر تنب و ابوموسی)
- محل تلاقی راه‌های مواصلاتی از طرف دریای عمان و بحر احمر به شمال و شرق آفریقا و اروپا
- نقش ارتباطی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی
- واقع شدن در نزدیکی مرزهای روسیه

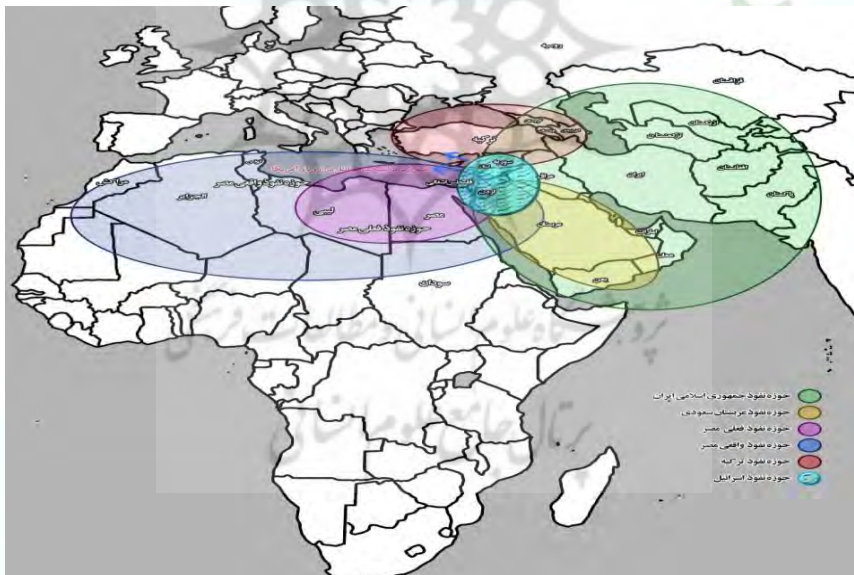


۲- از منظر ژئواکونومیک:

- وجود منابع غنی نفت و گاز و سایر منابع انرژی و منابع کافی و مواد خام و نیز بازار مصرفی این منطقه را از اهمیت بالایی برخوردار ساخته. ۷۰ درصد منابع انرژی جهان در این منطقه قرار دارد این درحالی که است که پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا ۴۷ درصد، ژاپن ۹۰ درصد و اروپا ۵۰ درصد از انرژی خود را از این منطقه تأمین کنند.

- مسیرهای انتقال انرژی از این منطقه (تنگه هرمز)

در دوران ژئواکونومیک، از نظر موقعیت ژئوپلیتیک جهانی، اگر نظام جهانی یک پیکر واحد در نظر گرفته شود، منطقه آسیای جنوب غربی قلب آن و ایران نیز قلب منطقه آسیای جنوب غربی محسوب می‌شود. در مقابل، امریکا طی نیم‌قرن تلاش نموده است تا به مغز جهان تبدیل شود.^۱ (shehr.persianguig.com/iran.pdf) این اهمیت کشور ایران از آنجایی نشأت می‌گیرد که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه، به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است. زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد (نقشه شماره ۱).



منبع: پیروز مجتهدزاده

در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای تشریح شده است که آن را هارتلند ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه بیضی‌شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است. به طوری که هرگونه تغییری در وضعیت



ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه خاورمیانه را بر هم زده و در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد.

حتی امروز در منطقه آسیای جنوب غربی شرایطی به وجود آمده که می‌تواند ایران را در حرکت به سمت قدرت اصلی منطقه یاری نماید. این مؤلفه و شرایط که باعث نقش‌آفرینی مجدد ایران در منطقه شده است عمدتاً بر چهار محور استوار است:

- شفاف شدن ارزش ذخایر انرژی

- فهم دولت‌ها و ملت‌ها از ارزش موقعیت جغرافیایی آن‌ها

- ظهور الگوهای جدید منطقه‌ای بدون هژمون

- ظهور الگوی سیاسی - حکومتی مردم‌سالاری دینی

اولویت‌بندی ایران در زیر سیستم‌های منطقه آسیای جنوب غربی را می‌توان به ترتیب خلیج فارس، آسیا مرکزی، قفقاز و خاورمیانه عربی نامید. این اولویت‌بندی‌ها بر اساس نیازهای ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئوپولیتیکش می‌باشد (نقشه شماره ۱). شاکری ۸۷

-انطباق حوزه‌های ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک و جایگاه ایران در منطقه آسیای جنوب غربی

با تغییر شاخص‌ها در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک پدید آمد و در مباحث ژئواکونومیک، موضوع "ژئوپلیتیک نفت" و امنیت استراتژیک منابع انرژی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژی‌های جهانی مطرح گردید.

بر همین اساس در آغاز سده بیست و یکم دو عامل عمده "منابع و ارتباطات" نقش اصلی را در شکل‌گیری مناطق ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک بازی می‌کنند (رحیم پور ۵۷: ۹۳-۵۸) با افکندن نگاهی به نقشه منابع انرژی درمی‌یابیم که بیش از ۷۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان در منطقه کوچکی از حوزه خلیج فارس تا حواشی دریای خزر نهفته است و به همین دلیل این منطقه به‌عنوان «تکیه‌گاه قلمروهای ژئواستراتژیک» انتخاب گردیده است که در این «گرانیکه استراتژیک» کشور جمهوری اسلامی ایران نقش کلیدی و محوری دارد. روند کنونی تحولات نظام بین‌الملل، بیانگر این است که کشوری نقش قدرت برتر را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان به‌ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد این تفکر استراتژیک، بیش از هر چیز، کنترل منطقه‌ای را ایجاب می‌کند که از کانال سوئز تا گذرگاه استراتژیک «مالاکا» را در بر می‌گیرد. این حوزه ژئواستراتژیک جدید، سه منطقه جغرافیایی را دربر دارد که عبارت است از: (کوهن، سوئل، ۱۳۸۷: ۸۴-۹۱)

۱- جنوب غرب آسیا با محوریت حوزه خلیج فارس به‌ویژه ایران.

۲- جنوب آسیا با محوریت هندوستان.

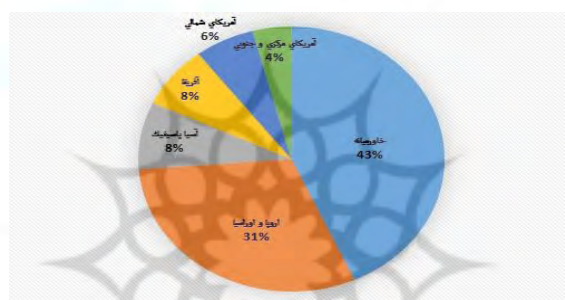
۳- جنوب شرق و شرق آسیا با محوریت ژاپن.

امنیت همه‌جانبه جهان در سده بیست و یکم به این مثلث ژئواستراتژیک بستگی دارد که ایران در مرکز آن قرار گرفته است و ایالات متحده آمریکا نیز کنترل این منطقه را محور استراتژیک سیاست‌های خود قرار داده است.



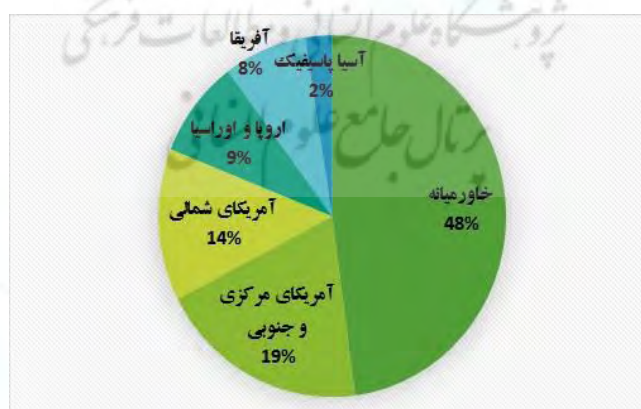
در این مثلث استراتژیک جدید ایران به دو دلیل نقشی حیاتی دارد. اول اینکه ایران تنها کشوری است که از امکانات ویژه‌ای برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی به خلیج فارس و دریای عمان برخوردار می‌باشد. آنچه از دید مطالعات ژئوپلیتیکی مسلم می‌نماید این حقیقت است که موقعیت جغرافیایی بی‌همتای ایران میان خلیج فارس - دریای عمان (دریای مکران) و منطقه خزر - آسیای مرکزی در دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی شگرف ناشی از سر آمدن دوران جنگ سرد و فروپاشی نظام ژئوپلیتیکی جهان دوقطبی در سرآغاز دهه ۱۹۹۰ شکوفایی چشمگیری پیدا کرد و در عمل تعاریف نوینی که از موقعیت جغرافیایی جدید ایران جلوه‌گر شد ایران را در مقام پلی سرزمینی میان سرزمین‌های ورای شمال و جنوبش قرارداد و با این جلوه‌گری ژئوپلیتیکی جدید ظرفیت ارتباط دادن ژرفای ژئوپلیتیک شمالی ایران به ژرفای ژئوپلیتیک جنوبی اش را به نمایش گذارد. (مجتهد زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۳) از سوی دیگر ایران با داشتن ۱۸.۲ درصد منابع گاز و ۹.۳ درصد منابع نفت جهان به ترتیب در جایگاه نخست و چهارم دنیا قرار دارد. بر اساس بررسی آماری شرکت BP از انرژی جهان در سال ۲۰۱۴، آسیای جنوب غربی با داشتن ۴۸ درصد ذخایر نفتی (نمودار شماره ۲) و ۴۳ درصد ذخایر گاز جهان (نمودار شماره ۳)،

نمودار ۲



منبع: دانا خبر به نقل از «BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴»

نمودار ۳

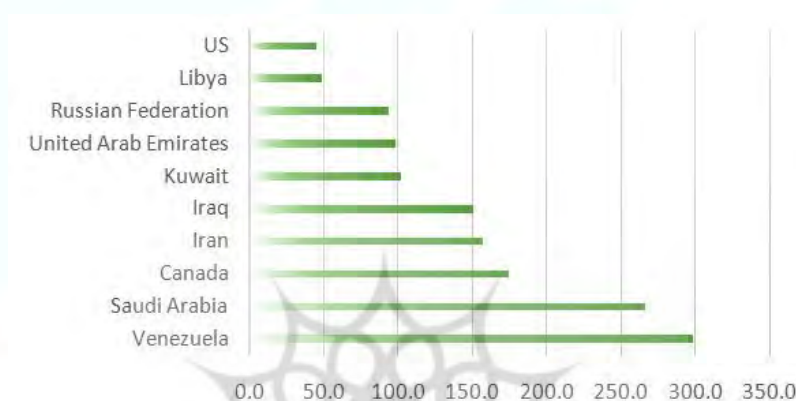


منبع: دانا خبر به نقل از «BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴»



بیشترین ذخایر انرژی دنیا را در اختیار دارد^۱. (BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴). اما رتبه ذخایر گازی مناطق مختلف جهان، قدری متفاوت با ذخایر نفتی است. اروپا و اوراسیا با داشتن ۳۱ درصد منابع گاز جهان پس از آسیای جنوب غربی (خاورمیانه) در جایگاه دوم قرار دارد. (danakhabar.com) ایران با در اختیار داشتن ۹.۳ درصد منابع نفتی جهان پس از کشورهای ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا در جایگاه چهارم دنیا قرار دارد (نمودار شماره ۴).

نمودار شماره ۴



(BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴)



نمودار شماره ۵

منبع: (BP.statistical review of world energy ۲۰۱۴)

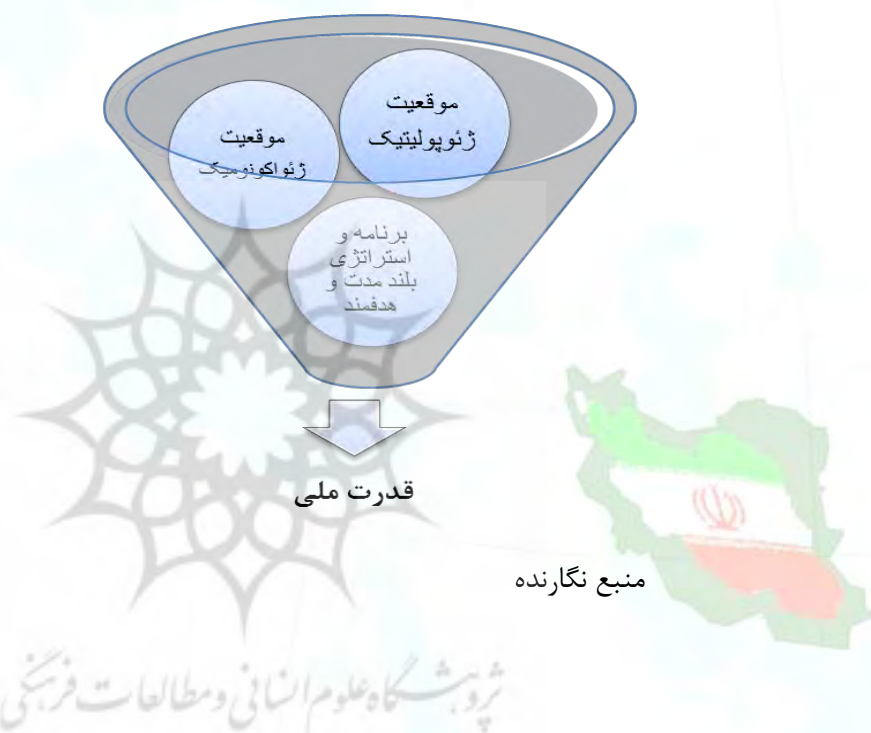
اما بیشترین ذخایر گازی جهان در اختیار ایران قرار دارد و ایران با داشتن ۱۸.۲ درصد منابع گاز جهان در رتبه نخست قرار دارد. وجود ذخایر عظیم انرژی (نفت و گاز)، معادن و منابع طبیعی قابل توجه در کنار موقعیت



استراتژیک ایران توانسته است جایگاهی رفیع و تا حد زیادی بی‌بدیلی را برای ایران در عرصه نظام جهانی و به‌ویژه در چرخه اقتصاد جهانی به وجود آورد.

تمامی این ویژگی‌ها ناشی از موقعیت استثنایی ژئوپلیتیک در رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی، ایران را یاری می‌نمایند. و پرواضح است که توفیق هر چه بیشتر در حوزه اقتصاد، توانمندی‌های کشور را در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی را افزایش داده و ایران را در رسیدن به هدف راهبردی خود یعنی دستیابی به موقعیت و منزلت برتر در منطقه آسیای جنوب غربی را یاری می‌رساند. بنابراین کشور ایران با دارا بودن موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاص خود می‌تواند جایگاه برتر و قدرتمندی در عرصه منطقه‌ای داشته باشد (نمودار شماره ۶).

نمودار شماره ۶



نتیجه‌گیری

شناخت موقعیت جغرافیایی و ژئوپولتیکی، بخشی از اصل قدیمی است که در شکل کلاسیک خود بر جغرافیا عامل تعیین‌کننده اصلی تولید امنیت و قدرت توسط کشور در عرصه جهانی تأکید دارد. از دیدگاه سنتی، محل استقرار یک کشور، همسایگان آن، محورهای ارتباطی و منابع فیزیکی، عواملی تغییرناپذیر و مصالحی بنیادی تلقی می‌شوند که اعمال یک حکومت را محدود می‌کنند یا برعکس می‌تواند توانایی زیادی را به یک کشور بدهد. موقعیت جغرافیایی و ژئوپولتیک اثر فراوانی بر توانایی و قدرت حکومت در اقناع کردن، پاداش دادن، تنبیه کردن، چانه‌زنی و جنگ کردن با سایر کشورها را دارد. هرگاه موقعیت جغرافیایی کشوری یک موقعیت ژئواستراتژیک یا ژئوپلیتیک باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند خود را از تحولات جهان دور نگه دارد یا به عبارت دیگر منزوی باشد؛ چراکه به ناچار بخشی از یک استراتژی



نظامی خواهد بود و باید سعی کند با درک موقعیت، به عنوان یک وزنه استراتژیک وارد عمل شود و با بهره‌گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه کشور گام بردارد.

یکی از مهم‌ترین اهداف ایران در چشم‌انداز بیست‌ساله، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه آسیای جنوب غربی می‌باشد. از این‌رو هدف راهبردی ایران در بیست سال آینده دست یافتن به منزلت و موقعیت قدرت برتر در منطقه آسیای جنوب غربی متشکل از آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه است. منطقه‌ای که خود شامل چند منطقه متداخل و حتی مستقل می‌باشد. قطعاً رسیدن به منزلت و قدرت برتر در منطقه‌ای به این وسعت و تنوع، مستلزم وجود مزایا و قابلیت‌ها و همچنین اتخاذ راهبردها، سازوکارها و رویکردهای متناسب و مطلوبی می‌باشد.

بر این اساس و به لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک ج.ا.ا می‌تواند در مسائل منطقه‌ای نقش‌آفرینی نماید و دور نگه داشتن آن از تحولات جهانی مقدور نیست. این موقعیت ممتاز و حیاتی به‌خصوص در منطقه آسیای جنوب غربی به‌طور اعم و خلیج فارس به‌طور اخص است. ایران تبدیل به تنها کشوری که با امکانات ویژه‌ای برای بازیگری در خلیج فارس و از لحاظ ژئوپلیتیکی باید رهبری آن را در دست داشته باشد کرده است.

همچنین موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپولتیک ایران می‌تواند نقش ایران را در ژئواکونومی دنیا بسیار بارز گرداند. کارشناسان بر این اعتقادند که نظارت ایران بر تنگه هرمز که روزانه بیش از ۴۰ درصد نفت جهان از آن صادر می‌شود نقشی استراتژیک برای ایران به وجود آورده و می‌تواند در مقاطع حساس و بحرانی مزیت‌ها و برتری‌های استراتژیک ایران را صد چندان نماید. گذشته از آن تعاملات ایران در نفت و گاز با ترکیه، چین، هند، ژاپن و بسیاری دیگر از کشورها به‌طور روزافزون در حال گسترش است که وابستگی‌های آن‌ها را به ایران افزایش داده و موجب برخی از تبادلات امتیازی در صحنه سیاسی بین‌الملل خواهد گردید.

ایران به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان نفتی خاورمیانه، بازیگری انتقال‌دهنده و تسهیل‌گر در عرصه پوشش‌های انرژی امتیاز بزرگ دیگری نیز دارد و آن تسلط بر تکیه‌گاه قلمرو ژئواکونومی آسیای جنوب غربی است. به صورتی که با اتصال حوزه‌های ژئوپلیتیکی مختلف، میدان عملیاتی دفاع از منافع سایر بازیگران را هم در اختیار دارد. به عبارت دیگر در نقشه‌های ژئواستراتژیکی قدرت‌های بزرگ هم به‌عنوان بازیگر اول منطقه‌ای لحاظ می‌شود.

نهایتاً باید خاطرنشان ساخت کشور ایران در کانون منطقه‌ای واقع شده که محور اصلی فضای سیاسی حاکم بر آن اقتصاد انرژی است و به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای جدیدی در حال ظهور است و یک نقش رهبری را در تعادل دیپلماتیک خاورمیانه ایفا می‌نماید.

بر این اساس برخی بر این اعتقاد هستند که به موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران در منطقه اروپا - آسیا نباید صرفاً به‌عنوان یک کشور دارای منابع غنی انرژی نگرست، بلکه موقعیت ایران باید از منظر یک پل ارتباطی منحصربه‌فرد بین شرق و غرب، دریای خزر و خلیج فارس، آسیای مرکزی و آب‌های آزاد، ارزیابی شود. روی این اصل است که صاحب‌نظران حوزه مسائل استراتژیک با اذعان به تغییر مکان هارتلند ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک قرن بیستم بر این باورند که ایران تبدیل به هارتلند انرژی جهان در سده بیست و یکم شده است. حفظ و تقویت



جایگاه ممتاز ژئوپلیتیک مستلزم شناخت این تحولات و تدوین یک استراتژی جامع و کامل با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی امنیتی و اقتصادی است. قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک از جهان، که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا محل زندگی بیش از یک‌سوم جمعیت جهان، و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد و امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آب‌های آزاد از طریق ایران را فراهم می‌سازد، ایران را خواسته یا ناخواسته در متن تحولات مهم جهانی و منطقه‌ای قرار می‌دهد. این امر باعث شده تا موقعیت ج. ا. ایران بیش از بقیه کشورهای هم‌جوار خطیر و حساس باشد. از آنجاکه ایران در منطقه متحد راهبردی و استراتژیک ندارد بررسی تأثیر موقعیت ژئوپولی نومیک در مؤلفه‌های قدرت ملی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است.

ایالات متحده امریکا راهبرد همه‌چیز بدون ایران را در دستور کار دارد، حفظ و بهره‌گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی مستلزم سیاستی پیچیده و چند بُعدی با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. پیگیری سیاست اعتمادسازی، اتخاذ سیاست غیر چالشی در روند تحولات منطقه‌ای و جهانی، پیگیری سیاست مذاکره، درگیر سازی سرمایه‌های خارجی در منابع داخلی، مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند با توجه به پویای کنونی منطقه نقش مهمی در ارتقا توان تأثیرگذاری و چانه‌زنی ایران در روند معادلات منطقه‌ای و به‌ویژه معادلات انرژی ایفا کنند. موقعیت ژئوپلیتیک ایران فرصت‌هایی استثنائی را فراروی کشور قرار داده است که می‌توان به قرار گرفتن آن بین دو قطب انرژی (بیضی استراتژیک)، مسیر مطمئن و به‌صرفه خطوط انتقال انرژی به‌عنوان گلوگاه انرژی منطقه و امکان ورود ایران به بازارهای کشورهای آسیای مرکزی اشاره نماییم. که نشان‌دهنده "جایگاه و موقعیت ایران در محیط ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اوراسیا" است.

ایران به‌طور بالقوه در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی قرار گرفته که به‌خودی‌خود بسیار مؤثر و مهم است و این موضوع می‌تواند ما را تبدیل به یک قدرت در اوراسیا کند. بالفعل درآوردن پتانسیل‌های موجود ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت را نیازمند هدف و برنامه‌ریزی است. همان‌طور که در نظریات ژئوپولیتیسین ها به‌عنوان نقطه مشترک می‌توان یاد کرد، جایگاه مهم و اهمیت زیاد ژئوپلیتیکی ایران است که در صورت استفاده بهینه از این قابلیت فرصتی استثنائی جهت تسلط بر منطقه و ارتقاء سطح قدرت و انتقال از جایگاه فعلی به یک قدرت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی فراروی آن خواهد بود. با بی‌توجهی به این شرایط، ضمن فراهم شدن زمینه‌های اساسی در افزایش هزینه‌ها و تحریک بی‌اعتمادی بین‌المللی و نیز با کاهش نیاز بین‌المللی به کارکردهای ناشی از موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، تدریجاً هم‌افزایی در تولید تهدیدات ژئوپلیتیکی، جانشین امنیت ژئوپلیتیکی ایران می‌شود.



منابع

- ۱- احمدی، سید عباس، جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک، تهران: اولین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، پاییز ۱۳۸۴، صص ۲۷۷-۲۹۷
 - ۲- اطاعت، جواد (۱۳۹۲)، مبانی توسعه پایدار در ایران، فصل سوم: سیاست خارجی و توسعه در ایران، نشرنی. تهران
 - ۳- سلیمی، حسین، آسیای جنوب غربی به‌عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی، فصلنامه ژئوپلیتیک- سال پنجم، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۱۶-۱۳۷
 - ۴- شاکری، مجید، ایران و الگوی امنیت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی، ماهنامه نگرش راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال هشتم، شماره ۸۷، بهمن ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۳۰
 - ۵- رحیم‌پور، علی، تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه و ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۸۴ و ۱۸۳، صص ۵۷ و ۵۸
 - ۶- قلی زاده و ذکی، (۱۳۸۷)، بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم
 - ۷- کوهن، سوئل (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، مترجم: عباس کاردان، اپ نخست، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، صص ۸۴-۹۱.
 - ۸- عزتی، عزت‌الله، ژئواکونومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن بر سه کشور ایران، هند و پاکستان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. صص ۳۴
 - ۹- دکتر عزت‌الله عزتی: ۱۳۸۰، ژئوپولتیک قرن ۲۱، انتشارات سمت، چاپ اول، صص ۱۰۶
 - ۱۰- عزتی عزت‌الله (۱۳۸۵) استراتژی آمریکا در خلیج فارس همشهری دیپلماتیک ۱۳۸۵/۱۱/۹.
 - ۱۱- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۳). جایگاه خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران، تهران: تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران صص ۲۱۵.
 - ۱۲- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران نشر نی، صص ۸۷
 - ۱۳- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۹)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، ویراست ۲، انتشارات سمت، تهران صص ۱۳۱-۱۳۳
- _BP.statistical review of world energy2014
- _Energy Information Russia, Country Analysis Briefs, (May,2008) [online]
Available: <<http://www.eia.doe.gov/emeu/russia.html>
- _Glipin, Robert (2001), Global Political Economy: Understanding the International Economic Order, Princeton: Princeton University Press.
- _Shahram Chubin, (Summer 1999),"The Geopolitics of the Southern Republics
",International Affairs,Vol. IV, No. 2,
-<http://danakhabar.com>
_<http://shehr.persiangig.com/iran.pdf>



Investigating the Geopolitical Facilitating Components of Iran in the Regional Superior Power in Southwest Asia

Azam Yusefi, Assistant Professor of Political Geography, Saveh Branch, Azad Islamic University

Zeynab Tabrizi, PhD in International Relations, Allameh Tabatabaee University

Davoud Hasanabadi, Assistant Professor of Geography Department at Islamic Azad University, Garmsar Branch, Tehran, Iran.

Abstract

The mechanism of politico-geographical relationships create a situation which facilitate better management of political space within states and clarifies the geopolitical weight of the same geographical space at regional and global levels. Hence, lack of appreciation of geographical situations of any geographical space and it's relevant issues such as it's strong and weak points will have negative consequences for the national interests to that given state or country. Iran, one of the south west Asian countries, with geopolitical and geoeconomical capacities, can become the only superpower in the region. Therefore, the practical aim is to recognize and investigate the facilitative factors which promote iran s power level and to take right and basic policies in order to become the superpower in the west south of asia. The present research is descriptive –analytic, based on library resources. It investigates the geopolitical promotive variable which can be a base for materializing the priority of iran in the region.

KEYWORDS: Iran, South West Asia, Region, Geopolitical Location, Power.